

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ | مسجد حکیم اصفهان





مجموعه یک سردار ۲ (تدبیر یک سردار)

حسین حمیدی



انستار
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران





— خرید برخط از —
WWW.BOOKISF.IR

مجموعه یک سردار ۲ (تدبیر یک سردار)

(آشنایی با ویژگیهای اخلاقی سردار شهید قاسم سلیمانی)

حسین حمیدی

انتشارات سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری اصفهان

گرافیک و جلد: ؟؟

چاپ و صحافی: پارسیان تکثیر

نوبت چاپ: ؟؟

شمارگان: ؟؟ نسخه

قیمت: ؟؟ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲-۹۱۹-۷

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر متعلق به

انتشارات سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری اصفهان می‌باشد.

هرگونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شکل و شیوه

(چاپی، کپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی و ...) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

???

Hossein Hamidi

Publisher: Sazman Shahrdari

Graphic & Cover: ??

Firest Published: ??

Price: ?? €

ISBN: 978-600-132-919-7



BOOKISF 

BOOKISF 

BOOKISF 

نشانی ناشر: خیابان علامه امینی، مجموعه اداری امیرکبیر
ساختمان سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری اصفهان
شماره تماس: ۰۳۱-۳۲۲۳۱۰۸۶

فروشگاه: اصفهان، خیابان باغ گلدسته، کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان
WWW.BOOKISF.IR فروشگاه اینترنتی: **WWW.BOOKISF.IR**
شماره تماس: ۰۳۱-۳۲۲۳۱۰۸۶

اشاره

در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، جوانی از خطّه کرمان در دل کویر، به جمع رزمندگان دفاع مقدس پیوست و از خود رشادت‌های شجاعانه‌ای نشان داد. این جوان مؤمن پس از چهل سال آنچنان خوش درخشید که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب درباره او فرمود: «به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم، به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز بنگریم.»

به درستی که هرگاه انسان از مدار فردیت خویش خارج شود و دایره وجودش آنقدر گسترش یابد که تنها خدا را محور عالم وجود دریابد، پا در مسیر کمال می‌گذارد و به معنای واقعی کلمه تبدیل به یک مکتب می‌شود. آنگاه منظومه‌ای



منسجم و جامع، متشکل از اجزای یک شخصیت رشد یافته در زمینه‌های گوناگون در او شکل می‌گیرد تا او به عنوان یک مدرسه درس آموز رخ نماید.

ویژگی‌های کم‌نظیر حاج قاسم سلیمانی آنقدر تکامل یافته بود که دوست و دشمن را ناخودآگاه به شگفتی وامیداشت و همین امر باعث شد تا ملت ایران در تشییع جنازه ایشان با حضور بیست میلیونی خود، به احترامش بایستد و تمام قامت بگیرد.

مجموعه «یک سردار» مجموعه کتابی مشتمل بر داستانهای کوتاه در ۱۰ جلد است که به بیان خاطرات زندگی این سردار رشید اسلام می‌پردازد تا نسل نوجوان و جوان جامعه دریابند که چه فرآیندی در زندگی یک انسان طی می‌شود تا او را در قامت یک مکتب، فرازند نماید؟ و چه اتفاقاتی رخ می‌دهد که یک انسان به تنهایی یک مدرسه درس آموز می‌شود؟



۲

يك سردار

تدبير





سردار وقتی نوجوان بود با پسر خاله‌اش احمد، پول‌هایشان را روی هم گذاشتند و یک ساعت کوکی برای سهراب خریدند. سهراب با دیدن ساعت خیلی خوشحال شد. او همین‌طور ساعت را کوک می‌کرد و با شنیدن صدای زنگ آن لذت می‌برد. قاسم نوجوان با دیدن شوق و ذوق برادرش گفت: «اگر هر روز آن را روی ساعت پنج کوک کنی و بلند شوی، خراب نمی‌شود.» سهراب هم حرف برادر بزرگترش را قبول کرد. او هر شب ساعتش را روی ساعت پنج کوک می‌کرد. هر روز صبح که ساعت زنگ می‌زد قاسم به سهراب می‌گفت: «حالا که بیدار شدی، نماز صبحت را هم بخوان.»





۲

یک سردار

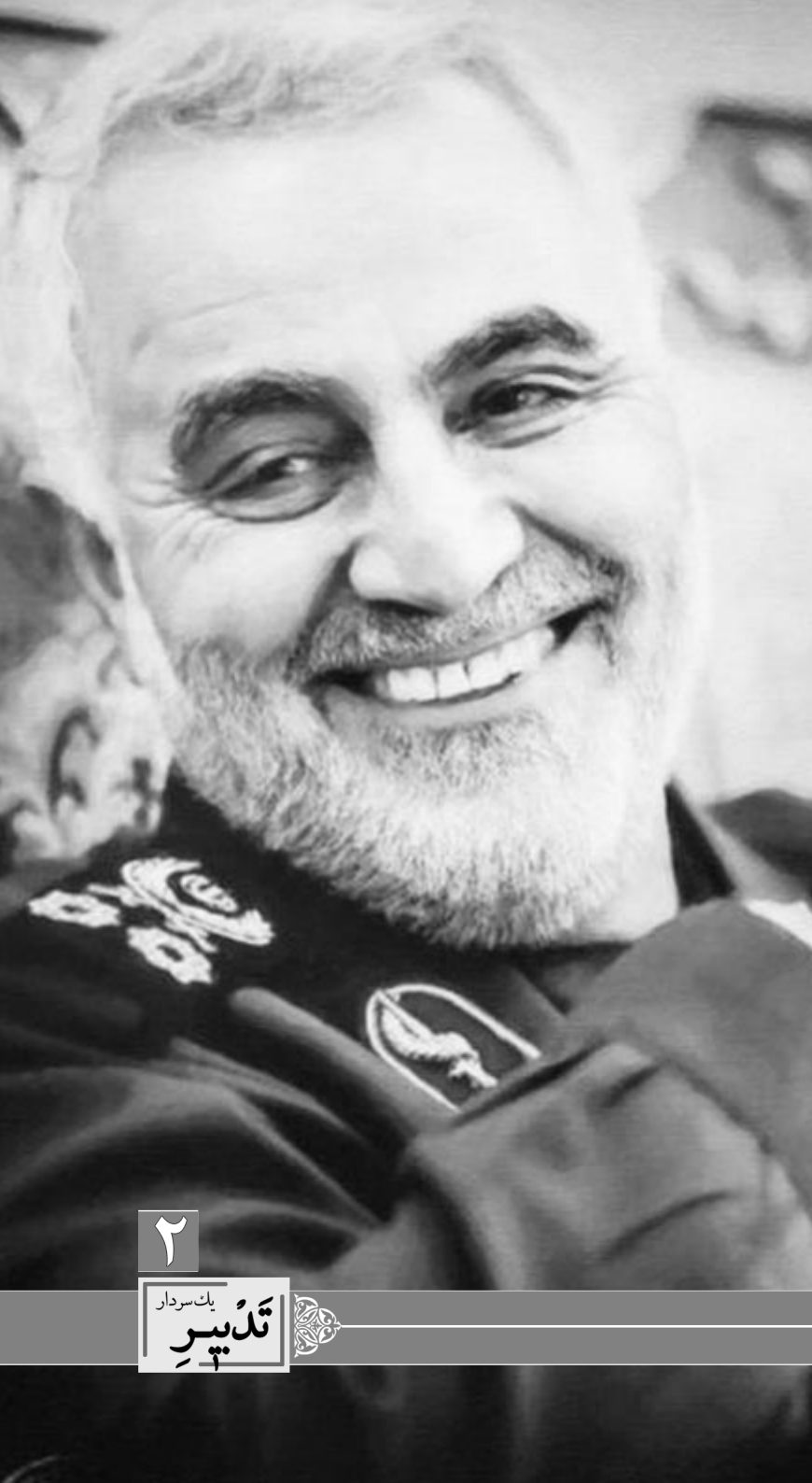
تَدِیْر





حاج قاسم در میدان جنگ هم با تدبیر بود و به تبلیغات علیه دشمن اهمیت می داد. چندین ماشین بلندگودار آماده کرده بودیم. همین که خط شکسته می شد، به من بیسیم می زد که ماشین بلندگودار بردار، بیا جلو. تدبیر حاجی بود. می خواست پس از شکستن خط، مارش پخش کنیم تا رزمنده ها شور حماسی پیدا کنند. ماشینهای بلندگودار که از خط برمی گشتند، با گلوله های دشمن سوراخ سوراخ شده بودند.





۲

یك سردار

تدپیر





برای آزادسازی تدمر، عملیاتی طراحی شده بود. ارتش و نیروهای دفاع وطنی سوریه می‌خواستند در عملیات شرکت کنند. تدمر، جای استراتژیک و مهمی است. دشمن آنجا سرمایه‌گذاری کرده بود و آتش سنگین می‌ریخت. حاج قاسم سوار موتور شد تا برود منطقه را شناسایی کند. این تدبیر همیشگی او به عنوان یک فرمانده بود. شناسایی با سرکشی به نیرو فرق می‌کند. برای شناسایی، قبل از عملیات باید از خاکریز خودی جلوتر رفت. قاسم سلیمانی در دفاع مقدس هم همین روحیه را داشت. پشت موتور بچه‌های اطلاعات عملیات می‌نشست و به وسط درگیری می‌رفت، اما همراه با شجاعت، محاسبه و تدبیر.





۲

يك سردار

تدبير





حاج قاسم در کرمان و سیستان و بلوچستان اعلام کرد که اگر اشرار سلاح های خود را تحویل دهند به آنها امان نامه می دهد؛ مگر افرادی که مرتکب قتل شده اند. آنها باید بروند از خانواده مقتولین رضایت بگیرند. یکی از اشرار کرمان گفت که اگر حاج قاسم امان نامه بدهد، سلاحم را تحویل می دهم و همین کار را هم کرد. وقتی سلاحش را تحویل داد، حاج قاسم با توجه به توانایی هایش مأموریتی به او داد که پذیرفت و عملیاتی را به نفع نظام انجام داد، یعنی سرباز نظام شد. سردار در مقابله با اشرار به دنبال انتقام نبود و تلاش می کرد افراد را به هویت اصلی شان بازگرداند.





۲

یک سردار

تدپیر





بعد از حمله ناموفق داعش به سامراء جهت اشغال این شهر و عملیاتی که با حضور مستقیم حاج قاسم انجام شد، ایشان را در سوریه ملاقات کردم. در جلسه ای حاج قاسم گزارش عملیات و اتفاقات آن را شرح داد. وقتی از ایشان سؤال کردیم حالا چه پیش خواهد آمد؟ جواب داد: «سه سال طول خواهد کشید تا داعش را نابود کنیم.» حاجی این را در حالی به ما گفت که هیچ سیستم ستادی این تحلیل و تدبیر را به او ارائه نداده بود و فقط نظر شخص خود ایشان بود که درست هم از آب درآمد. سه سال و نیم بعد بود که حاج قاسم آن نامه معروف را برای رهبرانقلاب مبنی بر نابودی داعش فرستاد.





۲

يك سردار

تدبير





روزی که زلزله بم اتفاق افتاد، قاسم سلیمانی خود را با هواپیما از کابل به بم رساند. آن موقع من سفیر ایران در فرانسه بودم. من هم به بم رفتم. شب هنگام با یکی از سران عشایر جنوب شرق کشور صحبت می‌کردم، کسی که واقعاً در منطقه خود سلطنت می‌کرد، عشیره او هزاران نفر جمعیت داشت و به هنگام حرکت سی ماشین او را همراهی می‌کردند. می‌گفت: من نه برای اسلام و نه برای ایران بلکه به خاطر حاج قاسم به اینجا آمده‌ام. حاجی پیغام داد که به کمک بم بیایید، ما هم آمدیم. همه وجود ما حاج قاسم است. عشیره ما اهل قاجاق بود و تدبیر حاجی ما را از این منجلا ب بیرون کشید.



۲

يك سردار

تَدِيرِ





بعد از اینکه حاج قاسم سلیمانی و نیروهایش برای جلوگیری از سقوط اربیل، خودشان را به منطقه رساندند، وقتی در حال تدارک عملیات در جلولا بودیم، حاج قاسم به من گفت: «می‌توانی سه روزه کنترل این منطقه را دوباره به دست بیاوری؟» گفتم: «بله، می‌توانم، فردا همین ساعت خبر آزادی جلولا را به شما خواهیم داد.» در آن عملیات نظر من این بود که جلولا را محاصره کنیم و اجازه نجات و خروج از آنجا را به هیچ یک از داعشی‌ها ندهیم، اما حاج قاسم تدبیر دیگری داشت و ضمن رد نظر من، گفت: «اگر ما راه خروج را بردشمن ببندیم، او به جنگ ادامه خواهد داد. باید منفذی برای فرار آنها باز کنیم تا منطقه را خالی کنند.»





۲

يك سردار

تدبير





حاج قاسم بسیار زیرک و باهوش بود. روزی در یک جلسه خصوصی، فردی به ایشان اظهار ارادت و نزدیکی می‌کند و می‌گوید: شما دارید این همه زحمت می‌کشید، اما قدر شما را نمی‌دانند. حاج قاسم پاسخ می‌دهد: «شما ناراحت نباشید، من یک سربازم. در نهایت به من می‌گویند برو جای دیگری نگهبانی بده، من هم می‌گویم چشم. اینکه ناراحتی ندارد.»





۲

يك سردار

تَدِيرِ





امنیت منطقه که سپرده شد به فرمانده سلیمانی، حساب کار دست اشرار آمد و آمدند زیر پرچم جمهوری اسلامی. مانده بود باندی که سرکرده‌شان خیلی قلدر بود و حدود پنجاه نفر برایش کار می‌کردند. نه ژاندارمری حریفشان شده بود و نه بچه‌های کم‌میتة. بالاخره گیرشان آوردیم. وقتی دیدند از آسمان و زمین محاصره شده‌اند، چادر زن‌هایشان را پوشیدند تا فرار کنند ولی ما خیال عقب نشینی نداشتیم و درگیری دوازده روز طول کشید. آخر سر خودش تسلیم شود. او را آوردیم کرمان تا حاج قاسم با او صحبت کند. وقتی از اتاق بیرون آمد، زار زار گریه می‌کرد. پرسیدم: اتفاقی افتاده؟ گفت: ابهت این مرد من را گرفته است، بگذارید اگر کشته می‌شوم به دست این مرد کشته شوم تا افتخاری برایم باشد. حاجی فرستادش مشهد. مشهدی وقتی برگشت، چسبید به کار و کشاورزی.





۲

يك سردار

تدبير





دوسه ماه قبل از شهادت حاجی، رئیس بنیاد شهید کرمان عوض شد. سردار حسنی رفت و آقای گوهری بجای او آمد. حاج قاسم در کرمان با آقای گوهری و سردار حسنی جلسه گذاشت. آنجاعین حرفش این بود: «بچه جنگ، بچه جنگ است؛ فرقی نمی‌کند از این جناح یا از آن جناح باشد. ما باید جانباز و شهید جنگ را تکریم کنیم. هر چه داریم، از اینها داریم.» بدون جناح بازی امور را تدبیر می‌کرد.





۲

يك سردار

تدبير





حاج قاسم در مورد داعشی‌ها تدبیر می‌کرد و می‌گفت: «اینها دشمن غافل و جاهل ما هستند، اما استکبار دشمن ریشه‌دار است؛ مثل نمرود و فرعون.» اجازه می‌داد جوانانی که از روی جهل جذب داعش شده بودند و در محاصره قرار می‌گرفتند، راه‌گریزی پیدا کنند. می‌گفت: «راه را باز کنید تا سلاح‌هایشان را تحویل بدهند و بیرون بیایند. شاید از بین آنها عده‌ای هدایت شوند.» نمونه‌های زیادی از آن هدایت شده‌ها را سراغ دارم که حتی بعضی‌هاشان برای تشییع جنازه حاج قاسم نیز به ایران آمدند.





۲

يك سردار

تدبير





ارتباطش را با بچه‌های جبهه و جنگ قطع نمی‌کرد. فرماندهان لشکر را از تهران و کرمان و قم و اصفهان جمع کرد و یک سفر به اهواز برد. اهواز، نقطه آشنایی حاج قاسم با آنها در روزهای جنگ بود. در منطقه عملیاتی لشکر نشستند و خاطراتشان را مرور کردند. می‌خواست در هر حال و با هر گرایشی، به ریشه رزمنده بودنشان توجه کنند تا به رفاقتشان که از میدان جنگ به وجود آمده بود، پشت پا نزنند.





۲

يك سردار

تَدِيرِ





خبر داده بودند هواپیمای سپاه با ارتفاعات سیرچ داخل کرمان برخورد کرده، دماغه آن یک سوی کوه منفجر شده است و بال و بدنه سوی دیگر. باید خودمان را می‌رساندیم آنجا ولی مگر می‌شد؟ کولاک برف و سوز و سرمایش به کنار، یخبندان هم بود. چند قدم که می‌رفتیم، سر می‌خوردیم و می‌آمدیم پایین‌تر. خلاصه کارمان به سختی و زحمت جلو می‌رفت. از سپاه و ارتش، از هلال احمر و کوهنوردان ماهر کشور هر کسی آمده بود کمک ولی همین بساطمان بود. حاجی به محض آمدنش گفت: «عشایر بافت و را بر را بیاورید.» اینجا هم تدبیر حاجی به کمکمان آمد. خودش تماس گرفت و با هاشون هماهنگ کرد. آنها به خاطر شرایط زندگیشان آشنایی کامل با کوه داشتند. ۲۷۶ جنازه را پیدا کردند و با چادر شب آنها را بستند و روی کولشان آوردند پایین.





۲

يك سردار

تدبير





آن شب به حاج قاسم گفتم: «حاجی! بچه‌ها گفته‌اند که در راه بغداد به سامراء، شما هم در کاروانی که به سمت سامراء در حال حرکت بوده، حضور داشتید! این کار خطرناکی است!» حاجی گفت: «چاره دیگری نبود. باید می‌رفتم که دیگران هم بیایند. وقت به شدت تنگ است. نمی‌توانیم با حسابگری بجنگیم. باید با حساب و کتاب و تدبیر دیگری بجنگیم.»





۲

يك سردار

تدبير





پیرمرد دو دستش را گرفته بود بالای سرش. عکس امام خمینی (ره) هم بین دست‌هایش بود. تا زیرزانو داخل آب ایستاده بود. سیلی که کل زندگی‌اش را شسته و برده بود. مدام می‌گفت: «هیچ چیز نمی‌خواهم، فقط عکس امام نباید خیس شود. زمان جنگ دیدم تیرهای می‌خوردند کنار پاهایمان ولی به ما اصابت نمی‌کردند، اینها از برکت این سید بود.» هر کار می‌کردند از خانه‌اش برود بیرون، نمی‌رفت. آب داشت پیشروی می‌کرد. حاجی تا زیرزانو رفت داخل آب پیشش. دستش را گرفت و بوسید. گفت: «به همین سید قسمت می‌دهم از این خانه بیای بیرون!» پیرمرد حاجی را بغل کرد و حاجی از آن مهلکه آوردش بیرون.





۲

یک سردار

تَدِیْر





گفتم: در نیروی دریایی، چند کتاب دفاع مقدس را مشخص می‌کردیم؛ مسابقه می‌گذاشتیم و به چهل نفر جایزه می‌دادیم. موافقید در نیروی قدس، همین کار را ادامه بدهیم؟ گفت: «من به هر کسی که کتاب بخواند، جایزه می‌دهم!» فهمیدم سردار سلیمانی، بیشتر از من به فکر تشویق دیگران برای خواندن کتاب‌های دفاع مقدس است. تدبیر او، کتاب خوان‌ها را چند برابر طرح من افزایش داد.





۲

يك سردار

تَدِير





نظامی‌ها بهتر می‌دانند. نیروی خطا کار نظامی باید بفهمد اشتباه کردن جریمه دارد. اما حساب و کتاب حاجی با نیرو جور دیگر بود. ۲۱ سال کنارش بودم. حتی یک برگه توبیخی نداد دست کسی. توبیخ می‌کرد اما شفاهی. فقط یکی دوبار برگه توبیخ نوشت. آنها را هم گفت: «داخل کشوی میزت باشد، هر وقت گفتم در بیاور» هیچ‌وقت هم نگفت. یکی از نیروها کارش رسیده بود به اخراج. کمیسیون انضباطی تصمیمش را گرفته بود. اما نظر حاجی چیز دیگری بود. گفت: «این نیرو مقصر است، خانواده‌اش چه گناهی دارند؟ زن و بچه‌اش که مقصر نیستند.» حاجی تدبیر کرد و بجای اخراج درجه‌اش را تقلیل داد.



۲

يك سردار

تدبير





در روزه‌هایی که در دهه محرم و دهه فاطمیه برگزار می‌کرد، همه بچه‌های دوران جنگ می‌آمدند. ماه رمضان، به بچه‌های جبهه و جنگ افطاری می‌داد. یکی از بچه‌ها را می‌گذاشت تا همه را خبر کند. گاهی همه فرماندهان و خانواده‌هایشان را به مشهد می‌برد. ملاکش این بود که اینها بچه‌های جنگند؛ هشت سال در میدان بوده‌اند؛ اسیر بوده‌اند؛ جانبازند؛ برای جمهوری اسلامی سختی کشیده‌اند؛ قابل اعتمادند؛ به جمهوری اسلامی خیانت نمی‌کنند؛ باید حفظشان کنیم. اگر هم اشتباهی کنند در تشخیص مصداق اشتباه کرده‌اند.





۲

یک سردار

تَدِیْر





بارها پیش آمده بود که با تدبیر حاج قاسم داعشی‌ها فرصتی برای به خود آمدن داشته باشند. وقتی شهری توسط ارتش سوریه محاصره می‌شد، تکفیری‌ها سلاح‌هایشان را می‌گذاشتند زمین. عجیب اینکه نماینده دبیرکل سازمان ملل در امور سوریه هم تماس می‌گرفت و واسطه می‌شد؛ واسطه تروریست‌ها. توجیه می‌کرد که بین تروریست‌ها زن و بچه هم هست. می‌گفت: «فرمانده داعش در فلان منطقه گفته است که اگر ژنرال قاسم سلیمانی تضمین کند، وقتی قصد خروج از منطقه را داریم کسی از پشت ما را نمی‌زند.»



۲

يك سردار

تَدِيرِ





بعد از اینکه آمریکا، آقای ظریف را تحریم کرد، بالباس نظامی برای دیدن آقای ظریف به وزارت امور خارجه رفت و به او خدا قوت و تبریک گفت که به سبب حمایت از مواضع رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، مورد غضب و دشمنی آمریکا قرار گرفته است. برای خودش تکلیف می‌دانست حالا که آقای ظریف، حرفی انقلابی گفته که آمریکا عصبانی شده است، باید تمجیدش کرد.





۲

يك سردار

تدبير



- ۱- کتاب عموقاسم / ص ۱۷
- ۲- کتاب حاج قاسمی که من می‌شناسم / ص ۸۶ / راوی: علی شیرازی
- ۳- کتاب ژنرال سلیمانی / ص ۱۵۲ / راوی: علی شیرازی
- ۴- کتاب هزار و دوازدهمین نفر / ص ۸۸ / راوی: محمد حسین کریمیان
- ۵- کتاب متولد مارس / ص ۵۹ / راوی: محمد حجازی
- ۶- کتاب هزار و دوازدهمین نفر / ص ۸۹ / راوی: صادق خرازی
- ۷- کتاب ژنرال سلیمانی / ص ۱۶۹ / راوی: علی اکبر مزدآبادی
- ۸- کتاب هزار و دوازدهمین نفر / ص ۱۱۰ / راوی: حمید حسنی سعدی
- ۹- کتاب سلیمانی عزیز / ص ۲۸ / راوی: ابراهیم شهریار
- ۱۰- کتاب حاج قاسمی که من می‌شناسم / ص ۱۳۸ / راوی: علی شیرازی
- ۱۱- کتاب هزار و دوازدهمین نفر / ص ۱۵۶ / راوی: علی شیرازی
- ۱۲- کتاب حاج قاسمی که من می‌شناسم / ص ۱۳۸ / راوی: علی شیرازی
- ۱۳- کتاب سلیمانی عزیز / ص ۴۹ / راوی: ابراهیم شهریار
- ۱۴- کتاب متولد مارس / ص ۳۰ / راوی: سید حسن نصرالله
- ۱۵- کتاب سلیمانی عزیز / ص ۲۰۲ / راوی: مؤسسه فرهنگی حماسه ۱۷
- ۱۶- کتاب حاج قاسمی که من می‌شناسم / ص ۱۲۵ / راوی: علی شیرازی
- ۱۷- کتاب سلیمانی عزیز / ص ۹۶ / راوی: مهدی ایرانمنش
- ۱۸- کتاب حاج قاسمی که من می‌شناسم / ص ۱۳۹ / راوی: علی شیرازی
- ۱۹- کتاب سلیمانی عزیز / ص ۱۶۰ / راوی: حسین امیرعبداللهیان
- ۲۰- کتاب حاج قاسمی که من می‌شناسم / ص ۱۴۳ / راوی: علی شیرازی

سؤالات مسابقہ کتابخوانی

۱- حاج قاسم گفته بود: «..... سال طول خواهد کشید تا داعش را نابود کنیم.»

الف) ٢

٣ (ج)

(ج) ۶

5 (2)

۲- ملاک سردار سلیمانی در مورد اشتباهات فرماندهان دوران دفاع مقدس، چه بود؟

الف) آنها برای جمهوری اسلامی، سخت، کشیده‌اند.

(ب) آنها قابل اعتمادند و باید حفظشان کرد.

ج) آنها به جمهوری اسلامی خیانت نمی‌کنند.

(د) اشتباه آنها در تشخیص مصداق است.

۳- حاج قاسم داعشی‌ها را دشمن ما می‌دانست.

الف) غافل

(ب) جاہل

(ج) آگاہ

(د) الف و ب

۴- ملاک حاج قاسم برای عدم تویخ کتب، نیروهای نظامی، چه بود؟

(الف) تویخ کتبی اثری ندارد.

(ب) تویخ باید فقط شفاهی باشد.

(ج) خانواده نیرو که مقصر نیستند.

(د) به جای توییخ باید تشویق کرد.

۵- تدبیر سردار سلیمانی برای پیدا کردن مسافران هوایمای سپاه چه بود؟

الف) استفاده از سربازان

(ب) استفاده از عشایر

(ج) استفاده از درجه داران

(د) استفاده از مردم



۶- تدبیر حاج قاسم در تمام عملیاتها به عنوان یک فرمانده چه بود؟

الف) شناسایی

ب) دفاع

ج) گروگان گیری

د) ضدحمله

۷- چرا بعد از اینکه آمریکا وزیر امور خارجه ایران را تحریم کرد، سردار

سلیمانی آقای وزیر را تمجید نمود؟

الف) به دلیل شجاعت آقای وزیر

ب) به دلیل جانبداری آقای وزیر از رهبری

ج) به دلیل زیرکی آقای وزیر

د) به دلیل حمایت آقای وزیر از مواضع رهبری

۸- حاج قاسم در سیستان و بلوچستان اعلام کرد که اگر اشرار

سلاحهایشان را تحویل دهند

الف) به آنها امان نامه می دهد.

ب) به آنها کاری ندارد.

ج) به آنها جایزه می دهد.

د) الف و ج

۹- حاج قاسم استکبار را دشمن ما می دانست.

الف) ریشه دار

ب) تا دندان مسلح

ج) سیاسی

د) بیرحم

۱۰- سردار سلیمانی در مقابله با اشرار چه رویه ای داشت؟

الف) به دنبال انتقام نبود.

ب) آنها را ادب می کرد.

ج) تلاش می کرد افراد را به هویت اصلی شان بازگرداند.

د) الف و ج

